

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۱، شماره ۳۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ (صص ۹۴-۷۳)

جستاری در معماری مسجد جامع گلبرگه، شاهکار هنر ایرانی در شبه‌قاره هند

جواد شکاری‌نیری^۱

چکیده

مسجد جامع گلبرگه در شهر گلبرگه، پایتخت سلاطین بهمنی در ناحیه دکن هند به سال ۷۶۹ هجری به دست «معمار رفیع قزوینی» ساخته شد. چگونه یک معمار ایرانی قرن هشتم در آن ناحیه دوردست حضور پیدا کرده و اثری شگرف خلق کرده‌است که هنوز پابرجاست؟ ویژگی‌های شاخص معماری و فنی این مسجد و علت پایداری آن با وجود ویرانی سایر بناهای شهر، پرسش‌هایی در مواجهه با این بنا پیش کشیده و پاسخ روشنی می‌طلبد. فرضیه تحقیق، پیدایش شیوه معماری ایرانی در آن ناحیه را نفوذ موج فرهنگی و هنری با حضور هنرمندانی مثل آن معمار در آن نقطه از جهان می‌داند؛ فرایندی که سبک ایرانی-دکنی را به نمایش گذاشته که متفاوت از معماری سبک مغولی هند است. روش تحقیق، تحلیلی-توصیفی است. نتایج پژوهش کاربرد اصول نیارش معماری ایرانی، از جمله: اصل تقابل نیرو، استفاده وسیع از سازه‌های طاقی کلمبو، طاق آهنگ، گنبد و... را در ساخت این بنا نشان داده و ریشه ترکیب عناصر معماری هندی از جمله شیوه «پنچایاتانا» در این بنا را روشن می‌سازد. همچنین وجوه معماری مسجد جامع گلبرگه را همراه با طرح‌ها و تصاویر مربوط، بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مسجد جامع گلبرگه، رفیع قزوینی، سبک معماری ایرانی-دکنی، طاق کلمبو، شیوه هندی پنج‌تایی.

۱- استادیار گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱- مقدمه

تأثیر و تأثر فرهنگی، هنری و معماری، بین تمدن ایران و هند در طول تاریخ بر کسی پوشیده نیست. سرستون‌های دوره سلسله موریایی در نواحی دهلی تا حاکم‌نشین «پالاوا» در جنوبی‌ترین نقطه شبه‌قاره هند در دوران پیش از اسلام (هالاید، ۱۳۸۴: ۱۱) و گسترش و نفوذ هنر معماری ایرانی در دکن و نواحی اطراف در نیمه جنوبی، تا قلمرو گورکانیان در نیمه شمالی از جمله آگرا، کاملاً مشهود است. نکته تأمل‌برانگیز، وسعت گستره نفوذ فرهنگی، هنری و معماری ایرانی در شبه‌قاره هند است. تجلی هنر معماری ایران در دوره اسلامی در عرصه‌های گوناگون شامل باغ‌سازی، بناهای مذهبی مانند مساجد، امام‌بارها، مقابر و مزارها، مدارس و رصدخانه، چشمگیرتر است. حتی در زمینه شهرسازی نیز از کالبد گرفته تا نامشان، مانند: جهان‌پناه، دولت‌آباد و... فرهنگ ایرانی را منعکس می‌کنند (کومار سینگ، ۱۳۹۱: ۶۱۷).

در معماری سلاطین دکن و شاهان مغولی هند، استفاده وسیع از طرح چهار باغ، هشت و نیم‌هشت، نگینی و طرح‌های چهارایوانی با هیئت ایرانی امر متداولی بود. مسجد جامع گلبرگه در زمان سلاطین بهمنی، به‌دست معمار ایرانی از سرزمین قزوین ساخته شده و به‌رغم برخورداری از ویژگی‌های هندی به‌لحاظ کالبدی و سازه‌ای، به‌خصوص در نوع پوشش و سازه و نماها و طاق و قوس، طرح معماری اصیل و ریشه‌دار ایرانی را به نمایش می‌گذارد که با گذشت هفتصد سال از تاریخ احداث آن، همچنان پابرجاست (بلر، ۱۳۸۱: ۱۸۱). زمینه‌های نفوذ فرهنگی و هنری ایران در هند متعدد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زمان سلاطین گلبرگه، همراه با بازرگانان و دانشمندان گروه زیادی صنعتگر و معمار نیز وارد دکن شدند. این معماران در ساخت بناها با همان سبک و سیاقی که در ایران متداول بود، به ایجاد بناها پرداختند؛ به‌طوری‌که گویی این بناها چه در طرح و چه در ساخت، یکجا از ایران به این سرزمین آورده شده‌است (معصومی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

فرضیه تحقیق، ریشه معماری اسلامی شبه‌قاره هند را در گسترش و سیطره فرهنگی-هنری ایرانی به‌ویژه در عرصه معماری و سازه، در ترکیبی با عناصر هندی می‌داند؛ به‌طوری‌که خلق این آثار شیوه‌ای نوین در عرصه هنر معماری را به نمایش گذاشته است. سلاطین بهمنی در جستجوی سبکی خاص برای هنر خود از هنر هم‌زمان ایران بهره گرفتند (هالاید، گوتس، ۱۳۸۴: ۷۱). به‌سبب حمایت بهمن‌شاه از ادیبان، دانشمندان و هنرمندان، بسیاری از آن‌ها از ایران به دکن

مهاجرت کردند و موجب رشد فرهنگ و تمدن ایرانی در آن سرزمین شدند (سید حسین زاده، ۱۳۸۳: ۵۲۸۴). پژوهش حاضر ضمن تجزیه و تحلیل فضای کالبدی این اثر به ریشه‌یابی طرح معماری و سازه‌ای آن می‌پردازد. اگرچه در کاربرد عناصر معماری بنا، غلبه با شیوه‌های متداول معماری ایرانی است؛ اما به دلیل کاربرد برخی عناصر و اصول معماری محلی می‌توان سبک بنا را «ایرانی-دکنی» تلقی کرد.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

وجود مسجدی به سبک و سیاق معماری ایرانی با خط و کتیبه‌های فارسی در فلات دکن هندوستان در نگاه نخست تأمل برانگیز می‌نماید. هنگامی که کتیبه‌اش سازنده آن را به صورت «رفیع بن شمس بن منصور قزوینی» بر ما می‌نمایاند؛ پرسش‌های چندی را پیش‌روی ما می‌گذارد. این معمار چرا و چگونه از سرزمین دور و درازی به این مکان آمده و بنایی را در این محل احداث کرده که مطابق با فرهنگ و هنر سرزمین ایران متجلی است؟ آیا ریشه این روند در مهاجرت فرد هنرمند از سرزمینی به سرزمین دیگر است یا موضوع می‌تواند حتی فراتر از آن باشد؟ شاید ریشه آن در زمینه رویدادها و تحولات تاریخی سیاسی و فرهنگی هنری نهفته است. عناصر هنری و معماری ایرانی- هندی در این بنا بر چه اساس و تا چه حدی ترکیب و آمیختگی دارد؟ بررسی آثار معماری و هنری در دکن، وجوه گسترده‌ای از نفوذ هنر معماری ایرانی در این سرزمین را پیش‌روی ما آشکار می‌کند که تا حدود زیادی مستقل از مکتب هنری و معماری شیوه مغولی رایج در نیمه شمال هند، یعنی آگراست. کاربرد تزئینات و خطوط در بناها با محتوای فرهنگی مذهب تشیع، بیانگر رگه‌های هنری و فرهنگی است که در آن رویکرد شیعی را پررنگ‌تر نشان می‌دهد؛ رویکردی که از اعتقادات حاکم بر سلاطین بهمنی دکن نمی‌تواند جدا باشد. فرضیه تحقیق پیرامون امکان ریشه‌یابی، تفکیک و اصول حاکم بر معماری و سازه‌ای ایرانی در ترکیب با عناصر هندی را بررسی می‌کند. برخی مسجد گلبرگه را با مسجد جامع قرطبه مقایسه کرده و حتی تقلیدی از آن بنا دانسته‌اند (Patal, 2016: 11-20).

باید خاطر نشان کرد که نه شکل طاق‌ها و نه شیوه اجرا، در جامع قرطبه با پوشش‌های مسجد جامع گلبرگه کوچک‌ترین شباهتی ندارد. مسجد قرطبه محصول چندین دوره است و درکل، از انسجام چندانی برخوردار نیست. مسجد قرطبه در چند مرحله و متفاوت با مسجد جامع گلبرگه پوشش داده شده است. طاق‌های سقف مسجد جامع قرطبه به شکل قوس دالبری چند طبقه و نوع

ساختار آن به صورت «ازج» است (کاشانی، ۱۳۶۶: ۸۲). برخلاف چنین اظهاراتی باید گفت که بارزترین نمونه شبستان طاق‌پوش قابل‌مقایسه با مسجد جامع گلبرگه، مسجد جامع اصفهان است که در پوشش شبستان‌های آن انواع متنوعی از طاق‌ها به‌کار رفته‌است که خود سنجیتی با پوشش‌های جامع قرطبه ندارند؛ اما پوشش طاق کلمبو در آن با پوشش شبستان مسجد جامع گلبرگه شباهت و همخوانی بیشتری دارد. پس می‌توان پوشش مسجد جامع گلبرگه را به‌واسطه کاربرد چشمه طاق کلمبو، با پوشش شبستان‌های مسجد جامع اصفهان یا سایر شبستان‌های مشابه مساجد ایرانی و به‌واسطه نوع طرح برون‌گرا و پوشش کل بنا با مساجد آذربایجان مانند مسجد کبود تبریز و همچنین با مسجد «نه گنبد» (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۱۱۶)، در بلخ افغانستان متعلق به قرن دوم هجری مقایسه کرد (شکل ۱). این مسجد به‌دلیل پوشش کامل سقف آن با ۹ عدد طاق کلمبو چنین نامی را به خود گرفته‌است. برخی نیز پا فراتر گذاشته، ضمن انتساب معماری آن به اسپانیا و اروپا، علی‌رغم وجود نمونه‌های مساجد شبستانی متعدد مشابه در ایران و سایر نقاط شبه‌قاره (شکل ۲ و ۳)، چنین اظهار کرده‌اند که «درواقع جامع گلبرگه تنها مسجد در جهان اسلام است که فاقد صحن روباز است (معصومی، ۱۳۸۴: ۱۰۰)، در صورتی که چنین نیست.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

بدون تردید، مسجد جامع گلبرگه با تکیه بر اصول و فنونی ساخته شده‌است که ریشه در معماری ایران حتی پیش از اسلام دارد. کاربرد انواع طاق‌ها و گنبد و قوس‌های ایرانی در کنار استفاده از اصل تقابل نیرو در پوشش‌های منحنی، مهارت، تسلط و آشنایی کامل معمار بنا با اصول معماری ایرانی را بیان کرده و قدرت خلاقانه او را در طراحی و اجرای یک اثر بدیع به نمایش می‌گذارد. معماری که فعلاً نامش تنها با این بنا شناخته‌شده و توسط کتیبه موجود در بنا معرفی شده‌است. امید است تحقیقات آینده پرده از زندگی این معمار گمنام ایرانی و سایر آثارش کنار بزنند. بررسی و تحلیل یک چنین آثار معماری علاوه بر توسعه مرزهای دانش معماری در دو سرزمین، آگاهی‌های لازم در این زمینه را نیز فراهم ساخته و بر توسعه گردشگری و ایجاد ارتباطات و مناسبات فرهنگی- علمی و حتی اقتصادی کمک می‌کند. شناساندن این اثر و رهایی آن از گمنامی در کنار معرفی سایر قابلیت‌های آن از اهداف دیگر پژوهش حاضر است.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

نوع تحقیق در این مقاله بنیادی و شیوه پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است. ضمن نقد و بررسی نظریه‌های ارائه‌شده درخصوص طرح معماری مسجد جامع گلبرگه، سعی شده با روش مقایسه و تطبیق، افق جدیدی را پیش‌روی علاقه‌مندان دانش معماری اسلامی ایران باز کند. با تحلیل، مقایسه و استنتاج از شواهد و مدارک تاریخی و هنری اصیل ایرانی، کوشش می‌کند به نتایج مورد انتظار و لازم درخصوص اصالت معماری ایرانی بنا دست‌یابد. مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای متعدد، بررسی تصاویر ماهواره‌ای و تصاویر جدید و قدیم از بنا و مطالعه گسترده اطلاعات موجود و انتشار یافته در شبکه جهانی وب و تطبیق کالبد موجود بنا با تجارب و نمونه‌های معماری ایرانی، مستندسازی لازم را انجام داده و با توصیف و تحلیل داده‌ها ضمن نتیجه‌گیری لازم با معرفی کامل تر آن، سرمنشأ ایده‌ها و طراحی بنا را آشکار کند.

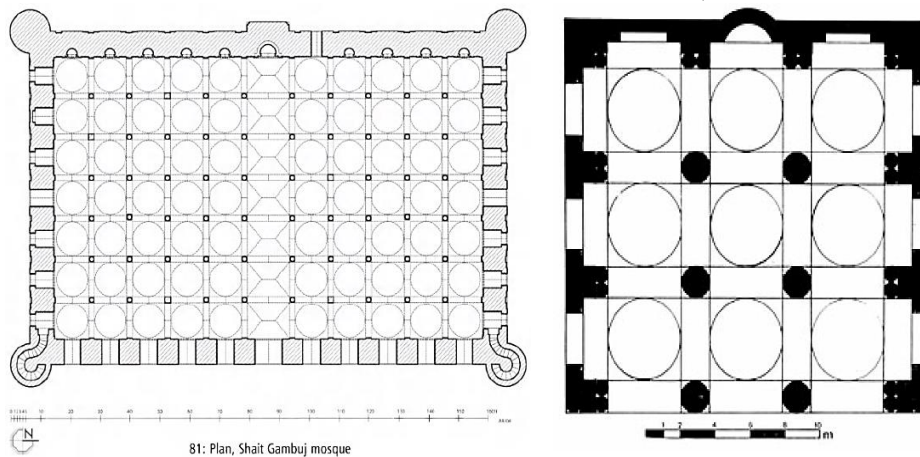
۴-۱- پیشینه تحقیق

بیشتر مساجدی که در عصر سلاطین مغولی هند و قبل از آن به‌ویژه در شمال هند ساخته شده‌اند، دارای طرح چهار ایوانی و در مواردی گنبدخانه‌ای هستند. مسجد جامع گلبرگه در این میان نقشه متفاوتی دارد و دارای طرح تمام شبستانی است که به‌نظر می‌رسد مخصوص آب و هوای بارانی طراحی شده است (Bunce, 2008: 56). مسجد جامع گلبرگه علی‌رغم قابلیت و مشابهت‌های هنری و فنی بسیار با مکتب معماری ایرانی، تقریباً بر جامعه معماری ایرانی و غیرایرانی اثر کمتر شناخته‌شده‌ای به‌شمار می‌رود. متأسفانه باید گفت که تاکنون سندی غیر از کتیبه این بنا در معرفی معمار آن یا سایر آثار وی یافت نشده است. حتی می‌توان گفت، مطالعات و تحقیقات ناکافی درباره آن صورت گرفته است. در کتاب «هنر هند و ایرانی» به این جمله اکتفا شده است: «این مسجد را معماری از اهل قزوین ساخته است». در منابع فارسی تنها در کتاب‌های ترجمه‌شده نقشه یا تصویری همراه با توصیف مختصر به‌چشم می‌خورد و حتی نام معمار آن نیز به شکل مختلفی مثل «رافع» (بلر، بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۰)، یا «رفی» (سروری، محمدحسینی، ۱۳۹۴)، نوشته می‌شود.

در میان پژوهشگران قرن حاضر، یزدانی (Yazdani, 1995) از پیشگامان معرفی مسجد جامع گلبرگه در جهان است. توصیفی از این بنا نیز همراه با تصاویر گویا، توسط محقق ژاپنی انجام گرفته است (Ara Matsuo, 2001). برخی سایت‌های ایرانی نیز اخیراً به اجمال، به معرفی این اثر

پرداخته‌اند (سروری، محمدحسینی، ۱۳۹۴). انتساب سبک معماری و منبع الهام مسجد جامع گلبرگه به مسجد جامع قرطبه در اسپانیا دور از واقعیت است. درحالی که مساجد شبستانی با پوشش طاق کلمبو مشابه جامع گلبرگه در جغرافیای فرهنگی و سرزمینی ایران سابقه دارد؛ مانند مسجد جامع بلخ (شکل ۱) موسوم به «نه گنبد» و شبستان زمستانی مسجد جامع اصفهان و غیره را می‌توان ذکر کرد. «هنر بهمنی چنان از هنر ایران الهام گرفت که باید آن را شاخه مستعمراتی هنر ایران دانست. می‌گویند مسجد جامع گلبرگه (۷۶۸) از روی مسجد معروف اموی در قرطبه ساخته شده، ولی حقیقت مسأله این است که شاید مسجد گلبرگه از روی نمونه قدیمی‌تر یعنی مسجد جامع اصفهان ساخته شده باشد» (شهریار نقوی، ۱۳۵۵: ۱۱۶).

معدود مسجدی که در شبه‌قاره هند به لحاظ طراحی درونگرایی خود، تا حدودی با مسجد جامع گلبرگه قابل مقایسه است، مسجدی موسوم به «شصت گنبد» است که در سال ۱۴۵۹ توسط خان جهان حاکم بنگال در بگرهات به وسعت $۴۹ \times ۳۲/۴۵$ ساخته شد (Tariq & Jinia, 2013: 46). این نام به دلیل داشتن هفتاد عدد طاق کلمبوی همسان در پوشش بنا، بدان داده شده است. این تعداد طاق‌ها به وسیله ۷ عدد طاق کجاوه وسط سقف به شکل متقارن با ۳۵ طاق در هر سمت، تقسیم شده‌اند (شکل ۱) و حدود یک قرن بعد از مسجد جامع گلبرگه ساخته شده و اگر از وسعت آن صرف نظر کنیم، بیشترین شباهت را به مسجد نه گنبد دارد.



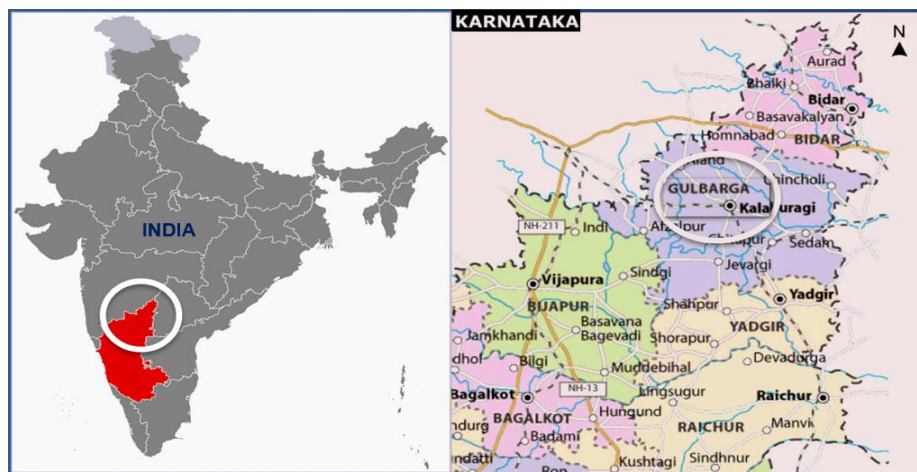
شکل ۱. پلان مسجد نه گنبد بلخ، قرن ۲ هجری (Hillenbrand, 1994: 174) (سمت راست)

شکل ۲. پلان مسجد شصت گنبد، باگرات، بنگلادش (Ahmad, 2008: 79) (سمت چپ)

۲- موقعیت شهر گلبرگه در شبه‌جزیره دکن و گستره نفوذ فرهنگ هنر ایرانی

نام شهر گلبرگه در نگاه نخست، ترکیب دو کلمه فارسی «گل» و «برگ» را برای ما بیان می‌کند که در زبان اردو به معنی باغ و شهر گل است (Ghouse, 2014). رواج فرهنگ ایرانی در نواحی گوناگون هند به ویژه دکن در حدی است که حتی نام فارسی گلبرگه با خط فارسی در کنار خطوط دیگر خودنمایی می‌کند (تصویر ۱). شبه‌جزیره دکن به شکل مثلث در ساحل اقیانوس آرام، در جنوب هند قرار گرفته است و در شمال آن دو جلگه وسیع و حاصلخیز سند و گنگ جای دارند. دکن از مغرب به گجرات متصل است. ایالت آندراپرادش، به مرکزیت حیدرآباد، از ایالات جنوبی هند محسوب می‌شود و در همسایگی ایالت‌های تامیل نادو در جنوب، کارناتاکا در غرب و ماهاراشترا، مادیا پرادش و اوریسا در شمال بوده و خلیج بنگال در شرق آن واقع شده است (شکل ۳). نام دیگر منطقه‌ای که امروز آندراپرادش نامیده می‌شود، «دکن» است. در سده چهاردهم میلادی در فلات دکن بخش‌هایی از مرکز و جنوب هندوستان دودمان پادشاهی بنیان گذاشته شد. این دودمان خود را بهمنی می‌خواند و ادعا می‌کرد که از بازماندگان ساسانیان است (Shokoohy, 2013: 299).

در سال ۷۴۸ هـ.ق برابر با ۱۳۴۷ م، تمام منطقه از جمله این شهر بین سال‌های (۱۴۲۴-۱۳۴۷ م) پایتخت آن‌ها بود (Yazdani, 1995: 22). علاءالدین حسن گانگو، که خود را از سلاله بهمنی (اردشیر) فرزند اسفندیار، از شاهان ایران کهن معرفی می‌کرد؛ سلسله بهمنی را تأسیس کرد. تأسیس دولت بهمنیان مصادف با اوضاع آشفته ایران بعد از ایلخانیان بود (احمد، ۱۳۶۶: ۵۰-۹). ارتباط دولت‌های دکن با ایران بعد از این تاریخ نیز به صورت گسترده و عمیق ادامه می‌یابد. با آمدن شاه طاهر حسینی قزوینی (۹۵۲-۸۸۰) در سال ۹۲۶ از ایران در زمان شاه اسماعیل صفوی و انتصاب او به مقام وزارت، دوره جدیدی در تاریخ سیاسی و فرهنگی نظام‌شاهیان آغاز شد. تحت تأثیر او بود که برهان نظام‌شاه به تشیع گروید. شاه طهماسب نامه تشکرآمیز جداگانه‌ای به پاس تلاش‌های شاه طاهر حسینی برای تبلیغ مذهب تشیع در دکن به او نوشت (رضایی، ۱۳۹۰: ۳۲). سلاطین بهمنی، ارتشیان، دانشمندان و تاجران ایرانی را برای اقامت در کشورشان ترغیب و تشویق می‌کردند. آنان هیچ فرصتی را در جهت آماده‌کردن زمینه رشد تشیع در دکن از دست نمی‌دادند (همان: ۳۰).

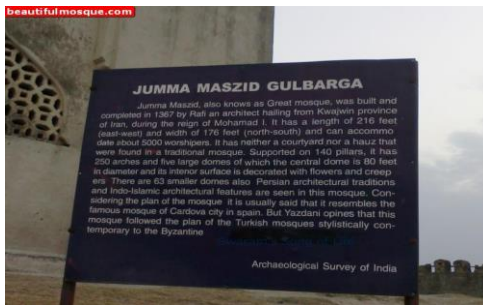


شکل ۳. موقعیت گلبرگه در نقشه هند، با استفاده از (Wikipedia & Mapsofndia)

۳- گستره هنری و معماری ایرانی در ناحیه دکن هند

مطالعه هنر و معماری سلاطین دکن ما را بر آن می‌دارد که عمق نفوذ هنری و معماری ایران در هند را در روزگاری قبل از دوره صفوی جستجو کنیم. شهر گلبرگه به مدت ۷۵ سال پایتخت بهمنیان بود. در دوره حکومت آن‌ها بسیاری از دانشمندان و معماران و صنعتگران ایرانی به دکن مهاجرت کردند و باعث رونق فرهنگ و تمدن ایرانی به‌ویژه در زمینه هنر و معماری در این سرزمین شدند. اغلب بناهای دوره بهمنیان به دست معماران ایرانی در سبک معماری رایج در ایران ساخته شده‌است. برخی از بناهای موجود در بیدر چون «مدرسه گاوان»، تقلید کاملی از مدارس چهار ایوانی ایرانی است (Patal, 2016: 9-11)؛ علاوه بر کاربرد عناصر معماری و سازه‌ای ایرانی، کاربرد کتیبه‌ها و تزیینات هنری ایرانی با رویکرد شیعی در آثار سلاطین بهمنی، از علایق بسیار وسیع و گرایش‌های شدید آن‌ها به مذهب شیعه و فرهنگ ایرانی حکایت می‌کند. درج نام پنج تن آل‌عبا در بالای محراب مسجد جامع گلبرگه، نمونه‌ای گویا در این زمینه است (تصویر ۲). نمونه بارز دیگر، اجرای کتیبه صلوات کبیره به صورت ثلث مدور (شکل ۴) در زیر سطح گنبد احمد شاه اول بهمنی در شهر بیدراست که متن آن بدین صورت است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى وَالْحُسَيْنَ الشَّهِيدِ بَكْرِيًّا وَعَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَمُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ وَجَعْفَرِ الصَّادِقِ وَالْكَاظِمِ مُوسَى وَعَلَى الرَّضَا وَمُحَمَّدِ الْجَوَادِ وَعَلَى الْهَادِي وَالْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ مُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ» (Mondini, 2016: 169). بیدر تا سال ۱۵۲۸م

پایتخت بود؛ اما ناتوانی شاهان پایانی سلسلهٔ بهمنی بعد از ۱۹۱ سال، منجر به فروپاشی این پادشاهی شد. شاهان بهمنی در گلبرگه، مسجدها، بازارها و بناهای عمومی چندی ساختند که آثار بسیاری از آن‌ها باقی مانده است؛ از جمله بناهای بسیار ارزشمند باقی مانده از این دوره می‌توان به دژ گلبرگه اشاره کرد (تصویر ۲)؛ که دیوارهای درونی و بیرونی بلندی داشته و خندقی نیز اطرافش را فراگرفته است (رضایی، ۱۳۹۰: ۳۱). مسجد جامع گلبرگه در داخل دژ شهر گلبرگه ساخته شده است. حصار قلعه مستحکم گلبرگه از سنگ گرانیت و ساروج ساخته شده و سه کیلومتر طول دارد و دارای دیوار دفاعی و خندق‌های مضاعف بوده و روی برج‌های آن توپ‌های بزرگی قرار دارد. این قلعه به شکل قلاع کوهستانی ایران ساخته شده است. از ساختمان‌های درون این قلعه غیر از کهن دژ و مسجد اثر دیگری باقی نمانده است.



تصویر ۱. تابلوی نصب‌شده در ایستگاه راه‌آهن شهر گلبرگه (Indiarailinfo, 2016) (از راست)

تصویر ۲. تابلوی معرفی مسجد که معمار آن را رفیع قزوینی معرفی کرده (beautiful M, 2014) (از چپ)



شکل ۴. کتیبهٔ نام ۱۴ معصوم، داخل گنبد مقبرهٔ احمد شاه اول بهمنی، بیدر (Mondini, 2016, 169) (راست)

تصویر ۲. تصویر ماهواره‌ای دژ گلبرگه و مسجد جامع گلبرگه (Google earth, 2016) (چپ)

۴- بررسی جلوه‌های معماری و کالبدی مسجد جامع گلبرگه (نیارش، پوشش و کمیّت‌ها و هندسه و تزئین)

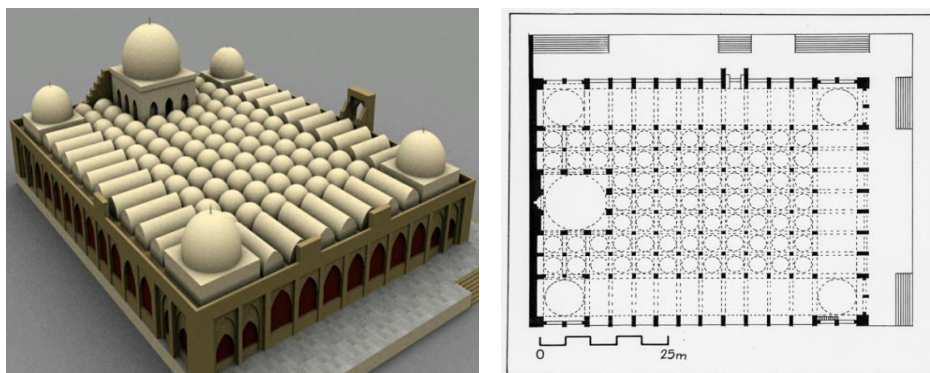
کاربرد اصول نیارش، اصلی‌ترین وجوه معماری ایرانی در این بناست. استفاده از قوس‌های ایرانی و کاربرد گسترده طاق‌های کلمبو با گوشه‌سازی پتگین و قوس‌های جناغی و طرز اجرای گنبد و کاربرد خطوط فارسی و هنرهای کاربردی در معماری از جمله گره‌ها و... در کنار استفاده از اصل تقابل نیرو در جهت ایستایی بنا، ویژگی‌های بارز و متداول این بنا را تشکیل می‌دهد. پلان معماری مسجد جامع گلبرگه همانند مسجد کیود تبریز به صورت شبستانی، برون‌گرا طراحی شده است (شکل ۵). مسجد در میان محوطه بازی درمقابل کهنه‌دژ شهر گلبرگه ساخته شده است (تصویر ۲). برخلاف سایر مساجد، جز چند منار بسیار کوتاه در گوشه‌های پشت‌بام، مناره‌های بلندی در این مسجد ساخته نشده و شکل درگاه ورودی نیز مختص این بناست. پلان مسجد مستطیلی به طول ۶۶ متر و عرض آن ۵۴ متر است. پوشش مسجد جامع گلبرگه را چشمه طاق کلمبودر میان یک ردیف طاق آهنگ در اطراف، با ۵ گنبد بزرگ تشکیل می‌دهد (تصویر ۵). گوشه‌سازی‌های طاق کلمبو، پتگین است (تصویر ۶). شیوه‌ای که کاربرد آن در معماری ایران سابقه دیرینی دارد (تصویر ۵ و ۶). سهوایی در ذکر آمار و ارقام طاق‌های مسجد جامع گلبرگه و نام‌گذاری سازه‌های پوششی بنا دیده می‌شود؛ مثلاً اکثر منابع تعداد طاق‌های مرکزی بنا یا همان کلمبو را ۶۳ عدد ذکر کرده یا به دلیل شباهت طاق‌های کلمبو با گنبد، از آن‌ها با عنوان گنبد کوچک یاد می‌کنند؛ درحالی که تعداد طاق‌های کلمبو سقف بنا ۷۵ عدد بوده و همراه با ۲۷ طاق آهنگ و ۵ دهانه، گنبد سقف بنا را می‌پوشاند (شکل ۵ و ۶). به نظر می‌رسد از زمان انتشار مقاله یزدانی در سال ۱۹۲۸ تکرار این روند ادامه داشته و دارد. نامبرده از نخستین پژوهشگرانی است که به معرفی این ارزشمند اقدام کرده است (Yazdani, 1928: 14-21). طاق‌های مسجد پایه‌های کوتاهی دارند و این نوع پوشش غیر متداول در دکن سرانجام به یکی از پوشش‌های رایج بدل شد (Alfieri, 2000: 147). در نبود طاق‌های آهنگ در سمت قبله (جبهه غربی) برای کنترل نیروی رانش گنبد از قاعده نسبت تیره به دهانه گنبد، همانند «دیوار پرت» در این قسمت پیروی شده است؛ بنابراین قطر دیوار در این جبهه به مقدار قابل ملاحظه‌ای افزایش دارد. معمار هوشمند مسجد در سمت قبله احتیاط مضاعف به خرج داده و برای کنترل بهتر نیروی رانش گنبد اصلی و بزرگ روی محراب دیوار مقابل آن را در انتها، بلندتر و پله‌ای ساخته تا به صورت بار متمرکز درمقابل نیروی رانش گنبد

عمل کند. تمام گوشه‌سازی طاق‌های کلمبو از نوع پتگین است و برای گوشه‌سازی گنبدها به‌ویژه گنبد اصلی از پتگانه‌های سه طبقه‌ای استفاده شده‌است که در دنیای معماری اسلامی بی‌نظیر است. دهانه گنبد بزرگ حدود ۱۴ متر است. ۱۴۰ ستون تحمل بار سقف را برعهده دارند؛ این مسجد دارای ۲۵۰ قوس یا چفت و پنج گنبد، که گنبد مرکزی آن ۶۳ پا (۱۹ متر) قطر دارد (Patal, 2016: 23). اطلاعاتی دربارهٔ کمیّت ساختمان بنا به شرح زیر در تابلوی راهنمای کنار مسجد درج شده‌است:

جمعه‌مسجد گلبرگه: جمعه‌مسجد که مسجد جامع نیز خوانده می‌شود، در سال ۱۳۶۷ زمان حکومت محمد اول، توسط معماری به‌نام «رفیع» از اهالی قزوین واقع در سرزمین ایران ساخته و تکمیل شده‌است. این مسجد هم‌زمان گنجایش ۵۰۰۰ عبادت‌کننده را دارد. ۱۴۰ پیل‌پا، پوشش مسجد شامل طاق‌ها و گنبدهای آن را حمل می‌کنند. مسجد در مجموع دارای ۲۵۰ چفت، ۶۳ گنبد کوچک و ۵ گنبد بزرگ است که دهانه گنبد اصلی آن ۲۴ متر (۸۰ فوت) است.

این‌ها اطلاعاتی است که کتیبه نصب‌شده در محل مسجد در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌کنیم، اطلاعات آقای پاتال با اطلاعات تابلو و آن نیز با واقعیت قطر گنبد همخوانی چندانی با هم ندارند. ترکیب معماری ایرانی- هندی نمای جالب و البته تازه‌ای را به مسجد بخشیده‌است. محراب مسجد از هر جای آن قابل دید است. تمامی نیایشگران دیدی روشن نسبت به آن داشتند. راهروهای خارجی درسه گوشه مسجد و در نمازخانه باعث می‌شوند تاق‌های کوچک دیده نشوند. برخی قوس‌ها با طرح شبدری سه‌پره اجرا شده‌است. امروزه بخش بیرونی مسجد جامع تاحدودی تغییر یافته و تخته‌های چوبی آن از بین رفته‌اند (سروری، محمدحسینی، ۱۳۹۴). فضای داخلی و بیرونی مسجد از ساده‌ترین و زیباترین نوع تزئینات در حداقل آن برخوردار است. محراب مسجد قوس هندی دارد؛ اما بیشترین قوس‌های آن را قوس‌های جناغی ایرانی تشکیل می‌دهد. بیشترین اندازه تزئینات داخلی در قسمت زیر گنبدخانه و سمت محراب متمرکز است. جدارها سطحی صاف با اندود گچ سفید و روشن دارد و پنجره‌های اطراف روشنایی فضای داخل را فراهم می‌کنند. طاق کلمبو به‌دلیل نداشتن چپیره یا مراحل زیرسازی از گنبد متمایز، ولی شبیه به آن است؛ بنابراین بسیاری از محافل و منابع آن را گنبد تلقی می‌کنند که صحیح نیست؛ به‌دلیل نوع اجرای آن یعنی تبدیل مستقیم از فضای چهار گوش به طاق خاگی از بالاترین مقاومت و ایستایی برخوردار است. شکل ظاهری گوشه‌سازی آن‌ها پتگین است

که اجرای آن در معماری ایران سابقه دیرین دارد. نمونه‌های آن را در بسیاری از بناهای تاریخی از جمله در بنایی از قرن چهارم موسوم به «زندان هارون» نزدیک ری، مسجد جامع ساوه استفاده شده‌اند (گذار، ۱۳۶۷: ۱۰۷).



شکل ۵. (راست) پلان مسجد جامع گلبرگه (بلر، بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۰)

شکل ۶. (چپ) طرح مسجد جامع گلبرگه، ۵ گنبد در کنار طاق‌های آهنگ و کلمبو (نگارنده، ۱۳۹۶)

۵- سبک معماری و معمار و بنا

در طراحی مسجد جامع گلبرگه از اصول متداول در شیوه رازی به‌ویژه معماری عصر سلجوقی به‌صورت گسترده استفاده شده‌است. آمیختگی شیوه معماری ایرانی با برخی از عناصر و اصول متداول محلی، ویژگی خاصی بدان بخشیده است که با وجود شباهت‌های بسیاری در اجرا و اجزای معماری، تفاوت‌هایی نیز در آن قابل مشاهده است که مهم‌ترین آن تعداد گنبد‌های سقف بناست. معمولاً در مساجد ایرانی فقط یک گنبد آن هم در سمت قبله وجود دارد؛ از این‌رو بی‌مناسبت نیست که گفته‌اند: سبک شکل گرفته توسط معماران ایرانی در شهرهای گلبرگه بیدر و دولت‌آباد و... را باید «سبک ایرانی-دکنی» نامید (معصومی، ۱۳۸۴: ۹۹). اینکه مسجد این بدون صحن ساخته شده و این ویژگی تازه تا اندازه‌ای نمونه‌های مربوط به تغلقیان در دهلی را به یاد می‌آورد. مسجد جامع گلبرگه نقشه منحصر به فردی دارد و طرح و بنای این مسجد در سایر مکان‌های موجود در دکن تکرار نشده‌است (Yazdani, 1995: 22).

بهمنیان کارکنان مجرب خود را از میان ایرانیان و... انتخاب کرده و دربار آنان به‌صورت مرکز مهم دانش و فرهنگ تبدیل شد و سبک شاخصی در معماری ظهور یافت (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۱). پس از تکامل و رشد معماری، شیوه بهمنی در شهر گلبرگه و متأثر از معماری ایران، در

سراسر دکن گسترش یافته و رایج شد (Burton, 2008: 19). نام معمار مسجد از منابع انگلیسی به فارسی به شکل‌های متعددی برگردان شده‌است؛ در منابع انگلیسی نام وی «Rafi» آمده‌است. شیلا بلر در مورد معمار مسجد گلبرگه چنین نگاشته است: «مهم‌ترین بنای «گلبرگه»، مسجد جامعی است که بنا بر کتیبه‌ای، در سال ۷۶۹/۱۳۶۷ هجری و در زمان حکومت محمد اول به دست «رافع بن شمس بن منصور قزوینی ساخته شد.» این مسجد با ابعاد (۵۴) ۶۶ × ۵۳ متر نمونه نادری از مسجد بدون صحن است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

در جای دیگر، یکی از بناهای جالب درون این دژ، مسجد جامع گلبرگه است که توسط معماری ایرانی به نام «رفی» پسر شمس پسر منصور قزوینی در سال ۱۳۶۷ میلادی ساخته شده‌است (سروری، محمدحسینی، ۱۳۹۴). شکل صحیح نام این معمار براساس مدارک و شواهد «رفیع بن شمس بن منصور قزوینی» درج شده‌است. ظاهراً اجداد وی از معماران برجسته ایرانی بودند (معصومی، ۱۳۸۴: ۹۹). در کتیبه مسجد نیز بدین شکل معرفی شده‌است: «بني هذا المسجد... رفيع بن شمس بن منصور القزويني، سنة ۷۶۹» (Shookuhi, 2013: 302). انتخاب چنین نامی در شهر قزوین از دیرباز مرسوم بود. میرزا محمد رفیع واعظ قزوینی ملقب به ملا رفیع قزوینی صاحب کتاب «ابواب الجنان» از علمای عصر صفوی بود (جعفریان، ۱۳۸۹: ۴۸۶)؛ در نتیجه می‌توان گفت نام صحیح این معمار ایرانی «رفیع قزوینی» است. اطلاعی از سایر آثار و شرح حال و زندگی این معمار وجود ندارد. امید است روزگاری محققان و ادیبان و نسب‌شناسان و تاریخ‌نگاران پرده از شرح حال و زندگی این معمار متبحر بردارند.

معمار و هنرمند دیگری از خطه قزوین در دوره بهمنیان در منابع نام برده می‌شود. شاخص‌ترین معمار آن زمان شکرالله اهل قزوین بود و مقبره احمدشاه بهمنی را ساخت که شباهت خاصی با مقبره امیر تیمور در سمرقند دارد (عقیل، ۱۳۹۷: ۳). برخی نیز از وی به‌عنوان هنرمند خوشنویس برجسته یاد می‌کنند (سمیعی، ۱۳۸۳: ۵۳۵۱). برخی او را معمار و نقاش معرفی می‌کنند: احمدشاه برای خود در بیدر مقبره‌ای ساخت که شکرالله قزوینی ساخته یا زینت داده‌بود (یاری، کناری وند، ۱۳۹۴: ۱۲۶). او در کتیبه‌های بنا، حرفه خود را نقاش معرفی می‌کند: «عمل العبد شکرالله القزويني نقاش» (Yazdani, 1949: 145).



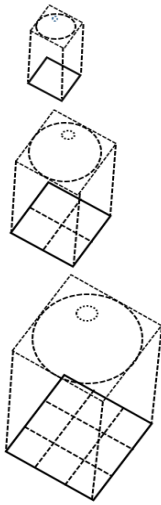
تصویر ۳. مسجد جامع گلبرگه، نمای بیرونی ورودی و گنبدخانه (Indiathatwas.com, 2011) (راست)

تصویر ۴. کتابت نام پنج تن در بالای محراب مسجد گلبرگه (Mapio.net, 2017) (چپ)

۶- تحلیل سازه‌ای مسجد جامع گلبرگه و مهم‌ترین وجوه معماری ایرانی بنا

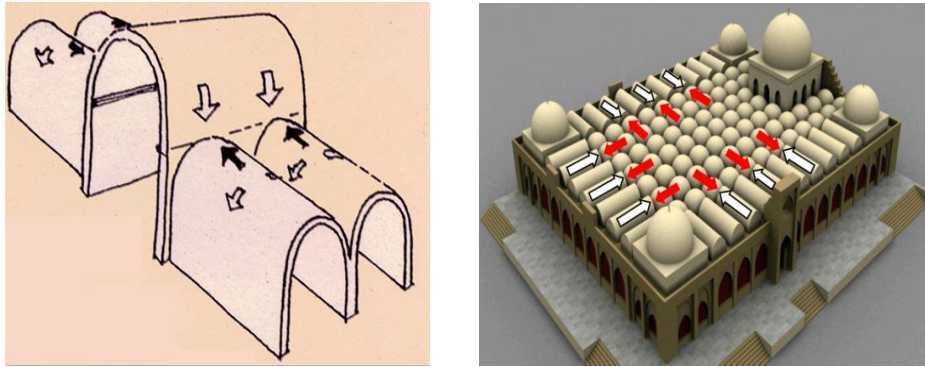
ساختار سازه‌ای این مسجد نظم توصیف‌ناپذیری دارد. طراحی پوشش سقف‌های مسجد جامع گلبرگه، از دقت مهندسی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. مهم‌ترین وجه آن استفاده اصل تقابل نیرو برای کنترل نیروهای رانشی طاق‌ها و گنبدها و به‌طور کلی پوشش بناست. اصول نیارش در طرح و اجرای برای تعادل و ایستایی بنا در استادانه‌ترین حد خود مراعات شده‌است. بیشتر منابع به منحصربه‌فرد بودن طراحی این مسجد اشاره می‌کنند. نفوذ ایرانی‌ها در پیشرفت معماری اسلامی ناحیه دکن حتی بیشتر از قسمت‌های شمالی هند بوده‌است (Yazdani, 1944: 24). مسجد، پلان مستطیل شکلی دارد (شکل ۲). استفاده از اصل تقابل نیرو برای ایستایی پایدار بنا در معماری ایرانی امر ریشه‌داری است (ابوالقاسمی، ۱۳۶۶: ۳۶۰). چنانکه ذکر شد، از شگردهای مهندسی در مسجد جامع گلبرگه، استفاده ماهرانه معمار از اصل تقابل نیرو برای ایستایی بناست (شکل ۳). اصلی که حتی از زمان پیش از اسلام برای معماران ایرانی شناخته شده بود. بارزترین نمونه کاربرد اصل تقابل نیرو، سازه‌های کاخ اردشیر در فیروزآباد متعلق به اوایل دوره ساسانی با قدمتی بیش از ۱۷۰۰ سال است (شکل ۵). این بنا دارای سه گنبد در وسط با دهانه ۱۴ متر و یک طاق آهنگ با همان اندازه دهانه در محور ورودی ساختمان به عمق ۲۹ متر قرار دارد (Ortega, 2008:C1431). برای کنترل نیروی رانش عظیم طاق، آهنگ مرکزی در دو طرف، دو طاق آهنگ به عمق ۱۷ متر درست مقابل نیروی رانش و عمود بر طول دیوار آن قرار داده‌اند. دقیقاً همان

تدبیر با مهارت ظریف‌تری برای ایستایی مسجد جامع گلبرگه با طرحی نوین و پیشرفته‌تر به‌کار رفته‌است (شکل ۳). ۵ گنبد و ۷۵ عدد طاق کلمبو پوشش مرکزی مسجد جامع گلبرگه را تشکیل می‌دهند و هر کدام بر روی ۴ عدد پیل پای کوتاه قرار دارند (تصویر ۵). نیروی رانش در طاق کلمبو به‌دلیل پلان مدور آن به‌طور مساوی به دور و اطراف پخش می‌شود. معمار با مهارت تحسین‌برانگیز دورتادور بنا را در سه طرف با ۲۷ عدد طاق آهنگ جناغی، محصور کرده و طول این طاق‌ها را به‌صورت عمودی مقابل جبهه کناری طاق‌های کلمبوی مرکزی قرار داده‌است؛ به‌طوری که دهانه آن‌ها رو به بیرون قرار گرفته‌است (شکل ۳). با این تدبیر علاوه بر تأمین ایستایی بنا با کنترل نیروی رانش، برای فضای داخل نور کافی و دسترسی راحت فراهم کرده‌است. در قسمت سمت قبله مسجد، دیواری نسبتاً ضخیم ساخته شده‌است (تصویر ۴). با افزایش ارتفاع دیوار مقابل گنبدخانه، بار متمرکز اضافی در برابر نیروی رانش گنبد قرار داده تا بر ایستایی آن با شق دیگری تأکید کند. معمولاً ضخامت دیوار یا تیره آن $\frac{1}{16}$ دهانه در پاکار می‌گیرند (بزرگمهری، ۱۳۷۰: ۱۱۸).



تصویر ۵. شبستان مسجد، طاق‌های کلمبو (George M, 2015) (راست)

شکل ۸. اصل تناسبات سازه‌های طاق و گنبد در مسجد (Jain, 2011: 32) (چپ)



شکل ۷. کاربرد اصل تقابل نیرو در پوشش مسجد جامع گلبرگه (نگارنده، ۱۳۹۶) (راست)
 شکل ۹. اصل تقابل نیرو در کاخ اردشیر در فیروزآباد، فلش سیاه تقابل نیرو (Ortega, 2008: C1431) (چپ)

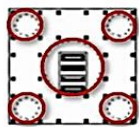


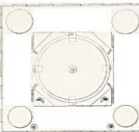


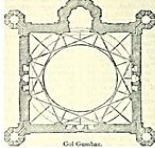


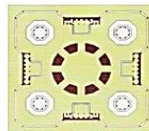


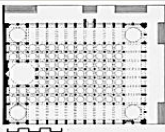

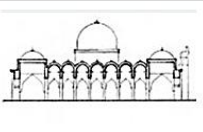
جدول ۱. بررسی طرح بناهای پنج‌تایی یا «پنچایاتانا» در سانسکریت در معماری هندو (نگارنده، ۱۳۹۶)

مشخصات بنا	پلان	تصویر	طرح‌های مرتبط
معبد گوندشوارا در سینار، ماهاراشترا، معبد شیوا قدمت ۲۰۰۰ سال			
معبد «لاکشمنا» (لچهن) در مجموعه خاجوراهو معبد ویشنو (۹۵۰-۹۳۰ م)			
معبد هندوی «براهماسوارا» واقع در بوبانسوار، اودیشا معبد شیوا اواخر قرن ۹ میلادی			
فنوم باخنگ از مجموعه معابد شهر انگکور کامبوج			

۷- بررسی و تحلیل وجوه هندی مسجد جامع گلبرگه

پوشش این مسجد دارای ۵ گنبد بزرگ در میان انبوه طاق‌های کلمبو است. بزرگ‌ترین گنبد در میان دو گنبد دیگر بر روی محراب در سمت غرب مسجد قرار دارد. فضای اصلی گنبدخانه، همیشه با محراب عجین است. نکته اصلی این است که در معماری مساجد ایرانی فقط یک گنبد آن هم در سمت شبستان رو به قبله ساخته می‌شود. جستجوهای لازم برای روشن‌ساختن علت استقرار ۵ گنبد به جای یکی، آغاز شد و بررسی سنت معماری محلی در این عرصه اجتناب‌ناپذیر بود. این پژوهش مشخص کرد که آرایش گنبدهای بنا، با طرز تلقی و جهان‌بینی متداول بین هندوها بی‌ارتباط نیست. همان تجسم شکل چهار گوشه جهان و کوه مروئه یا مرو (Meru) است که براساس آن بزرگ‌ترین کوه زمین در نقطه ثقل جهان قرار دارد. قلّه کوه «مرو» جایگاه برهماست (معصومی، ۱۳۹۳: ۱۲۳۷). نمود این تفکر در هنر و معماری اقوام آسیای جنوب‌شرقی نیز مشهود است. بارزترین نمونه، معبد «انگکور وات» در کشور کامبوج است که دارای ۵ عدد برج به شکل کوه است و طرح آن ناشی از طرز تلقی مذکور و تقلید از شکل چهار گوشه عالم با ۵ کوه در طراحی معابد است (چندلر، ۱۳۶۷: ۶۸-۶۷). این تلقی در ساختار طراحی معابد هندی و بسیاری از کشورهای آسیای جنوب‌شرقی تأثیر آشکاری گذاشته و برآیند آن استفاده از شکل مستطیل یا مربع در طراحی معابد با ۵ عنصر، مطابق با جهان بینی مردمان شبه‌قاره و همسایگان است. این ترکیب در طراحی معابد باستانی هندو، «پنچایاتانا» (Panchayatana) خوانده می‌شود (Reitz, 1997:56); در سانسکریت به معنی «شیوه پنج‌تایی» است که در پلان آن، بزرگ‌ترین برج معبد در مرکز و برج‌های کوچک‌تر، نزدیک چهار گوشه پلان مربع مستطیل قرار دارند (جدول ۱). معابد «کانداریا مهادوا» و «لا کشمانا» در خاجوراهو، معبد «گوندشوارا» در سنار مهاریشترا و... از آن جمله هستند (Agnihorti, 2010:465). برخی «پنچایاتانا» را پنج برج معنی کرده‌اند (STAFF, 2005:1). این شیوه طراحی پنج‌تایی وارد طرح بسیاری از بناهای دوره اسلامی شامل مساجد و به‌ویژه مقابر دوره اسلامی در هند شد (جدول ۲). چیدمانی با ۵ گنبد، شامل یک گنبد بزرگ اصلی و چهار گنبد کوچک‌تر تشکیل شده است. مسجد جامع گلبرگه هم در طراحی سقف، قطعاً از این موضوع متأثر شده است با این تفاوت که گنبد بزرگ و اصلی مسجد به جای مرکز بنا در روی محراب قرار گرفته که مهم‌ترین سمت در معماری مسجد است؛ آرایشی که خود از ضروریات طراحی مسجد است (شکل ۶).

جدول ۲. سنت پنج‌تایی (پنچتایاتانا) معماری اسلامی هند با حالت پنج گنبد (نگارنده)

مشخصات بنا	پلان	تصویر	طرح‌های مرتبط
مقبره هوشنگ شاه خلجی در مئدو سال ۱۴۴۰			
مقبره دریا خان، سال ۱۴۵۳ دوره سلطان قطب الدین احمد دوم (۱۴۵۳-۵۸) همدم آباد گجرات			
گل گنبد مقبره عادل شاه بیجاپور ۱۶۲۶ قطر خارجی گنبد ۴۴ متر (بزرگترین در جهان)			
مقبره همایون ۱۵۶۲ دهلی ۱۵۶۵			
مسجد جامع گلبرگه سال ۷۶۹ هجری معمار: رفیع قزوینی			

۸- نتیجه

دوره بهمنیان زمانی است که دانشمندان، معماران، هنرمندان، نویسندگان ایرانی به تعداد بسیاری به دکن مهاجرت کردند و فرهنگ، تمدن، هنر و معماری ایرانی را در این سرزمین پایه‌گذاری و رایج ساختند. بناهای ساخته‌شده در دوره بهمنیان اغلب به دست معماران ایرانی به شیوه معماری رایج در ایران ساخته شده‌است و کتیبه‌های فارسی با خطوط نستعلیق، ثلث، معرّف و زینت‌بخش این آثار هستند. سبک معماری دوره سلاطین دکن را می‌توان معماری ایرانی-دکنی نامید. روی آوردن سلاطین بهمنی به تشیع نقش کلیدی را در ترویج فرهنگ ایرانی در این ناحیه رقم زده‌است. مسجد جامع گلبرگه، یکی از بهترین نمونه تجلی معماری ایرانی در آن دیار است که به‌طور کلی نیارش در معماری ایرانی در دکن را با موفقیت عرضه و رایج کرد. بنای مسجد جامع

گلبرگه نام معمار «رفیع قزوینی» را در کتیبه خود ثبت کرده‌است. وی با تسلط کامل بر علم نیارش، از سازه‌های طاقی و گنبدی ایرانی استفاده کرده و برای تعادل ساختمان، اصل تقابل نیرو را به‌طور گسترده در پوشش بنا به‌کار برده که خود از اصلی‌ترین علت پایداری بنا تا به امروز است؛ اصلی که یکی از اصول متداول در معماری ایران قبل از اسلام بوده و در کاخ فیروزآباد نیز استفاده شده‌است. با وجود برتری جلوه معماری ایرانی در این مسجد، رگه‌هایی از عناصر و اصول معماری هندی نیز براساس اصول «واستو شاسترا» و «ماندالا» در این بنا مشهود است. اسقرار گنبدهای پنج‌گانه در سقف مسجد، اصول حاکم بر طراحی معماری هندو موسوم به «پنچایاتانا» را بیان می‌کند. ترکیبی که در بسیاری از بناهای مقابر دوران اسلامی هند از جمله «تاج محل» نیز اعمال شد. تصحیح یک‌سری اشکالات نظریات مرسوم در این خصوص از دیگر دستاوردهای پژوهش حاضر است. پژوهش حاضر مشخص کرد که طرح مساجد نوع شبستانی با طاق‌های کلمبو یک طرح ایرانی است. همچنین مشخص شد که مسجد گلبرگه علی‌رغم نوآوری‌های خاص در طرح معماری خود، تنها مسجد سرپوشیده جهان اسلام یا شبه‌قاره نیست. ویژگی خط آسمان، نداشتن منارهای بلند و سردر بلند با حالت قوسی و الصاقی و حالت نامتداول در پوشش سراسری کالبد بنا، شکلی تکرارناپذیر بدان بخشیده است.

۹- منابع

- ۱- ابوالقاسمی، لطیف، **هنجارشکل‌یابی معماری اسلامی ایران در معماری ایران در دوران اسلامی**، به کوشش محمدیوسف کیانی، صص ۳۶۱-۳۵۹، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- ۲- بلر، شیلا، بلوم، جانانان، **هنر و معماری اسلامی**، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش، ۱۳۸۱
- ۳- بزرگمهری، زهره، **گنبد در معماری ایران**، اثر، ۱۳۷۰، شماره ۲۰، صص ۱۵۵-۱۵۳، انتشارات پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، زمستان ۱۳۷۰
- ۴- جعفریان، رسول، **صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست**، جلد ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
- ۵- چندلر، دیوید، **سرزمین و مردم کامبوج**، ترجمه مهدی غبرائی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۶- رضایی، عابدین، **خاندان‌های حکومتی دکن**، مجله زمانه، شماره ۱۰۱، دوره جدید، صص ۳۰-۳۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: تیر ۱۳۹۰.

- ۷- سروری، حمیدرضا؛ محمدحسینی، احسان، مسجد جامع گلبرگه، نمایی از فرهنگ و هنر ایرانی در هندوستان (<http://sinapress.ir/news/31534>) گزارش ۶ اسفند ۱۳۹۴ دسترسی (۱۳۹۵).
- ۸- سمیعی، مجید؛ بهمنیان؛ دانشنامه بزرگ اسلامی، جلد ۱۳، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۹- سیدحسین‌زاده، هدی، بهمن‌شاه: دانشنامه بزرگ اسلامی، جلد ۱۳، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۱۰- شهریار نقوی، سید حیدر، استمرار فرهنگ و هنر ساسانیان در شبه‌قاره هند و پاکستان، هنر و مردم، ۱۳۵۵، شماره ۱۶۵ و ۱۶۶، صص ۱۱۹-۱۰۹، وزارت فرهنگ و هنر (سابق): تیر و مرداد ۱۳۵۵.
- ۱۱- احمد، عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران: انتشارات کیهان، با همکاری شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
- ۱۲- عقیل، معین‌الدین، ایران و حکومت بهمنیان در دکن، ترجمه شاهد چوهدری، علی محمد طرفداری، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۳۷-۲۸، ۱۳۹۱.
- ۱۳- _____، مناسبات فرهنگی ایران با سلسله بهمنیان هند، ترجمه و تلخیص: علی محمد طرفداری، پایگاه عبرت پژوهی تاریخی، (<http://pishine.ir/archives/15443>)، ایجاد ۲۰۱۳، دسترسی (۱۳۹۷).
- ۱۴- کاشانی، غیاث‌الدین جمشید، رساله طاق و ازج، ترجمه و تحشیه سید علیرضا جذبی، تهران: سروش، ۱۳۶۶.
- ۱۵- کومار سینگ، آب‌های، قزوین و پایتخت‌های مشابه در آگرا و دهلی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قزوین عصر صفوی، به کوشش باقرعلی عادل‌فر، صص ۶۲۳-۶۰۷، قزوین: انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی، ۱۳۹۱.
- ۱۶- گدار، آندره؛ گدار، یدا؛ سیرو، ماکسیم، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ج ۳، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ۱۷- معصومی، غلامرضا، دایرةالمعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، جلد سوم، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۳.

- ۱۸- معصومی، محسن، تأثیر معماری ایرانی در بناهای دوره بهمنیان در جنوب هند (۷۴۸-۹۳۴)، هنرهای زیبا: پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دوره ۲۱، شماره ۲۱، تهران: صص ۹۷-۱۰۴، ۱۳۸۴.
- ۱۹- _____، فرهنگ تمدن ایرانی-اسلامی دکن در دوره بهمنیان، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.
- ۲۰- هالاید، مادلین؛ گوتس، هرمان، هنر هند و ایرانی هند و اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۸۴.
- ۲۱- هیلن براند، رابرت، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: ناشر: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۷.
- ۲۲- یاری، سیاوش؛ کناری‌وند، مریم، نقش دیوانسالاران ایرانی در گسترش تشیع در دکن عصر بهمن‌ها (مطالعه موردی: میرفضل‌الله اینجوی و محمود گاوآن)، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۱۳۵-۱۱۷، دانشگاه سیستان و بلوچستان: ۱۳۹۴.
- 23- Agnihotri, V. k. **Indian History**, Allied Publishers, 26 Edition, New Delhi, India, 2010
- 24- Ahmad, A, **Mosque Architecture in Bangladesh**, UNESCO, Dacha, Bangladesh, 2008.
- 25- Alfieri, Bianca Maria, **Islamic Architecture of the Indian Subcontinent**. London: Laurence King Publishing. PP. 147, 148, 2000
- 26- Ara, Matsuo, **Jama Masjid**, The Reserch and Information Center for Asian Studies, University of Tokyo, <http://www.ioc.u-tokyo.ac.jp,2001,accses,2014>
- 27- Bunce, Fredrick W, **The Mosques of the Indian Subcontinent: Their Development and Iconography**, Edition: First edition, Published by D.K. Print world (P) Ltd., New Delhi, India. 2008
- 28- Burton, John, **Indian Islamic Architecture: Forms and Typologies, Sites and Monuments**, Publisher: Leiden ; Boston : Brill, 2008
- 29- George, Michell, **Exploring Deccan Architecture with George Michell**, 2015, <https://www.metmuseum.org>, Access, 2018
- 30- Ghouse, Aqeel, 2014, Revert the City's name from 'Kalaburagi' to 'Gulbarga' <https://www.change.org/p/government-of-karnataka-revert-the-city-s-name-from-kalaburagi-to-gulbarga>, Accses, 2016
- 31- Hillenbrand, Robert. **Islamic Architecture: Form, Function and Meaning**, 78, 104, 290, 410, 488. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1994.
- 32- Hoag, John D. **Islamic Architecture**. Milan: Electa Editrice. 150, 1975
- 33- Jain, Jinisha, **Structure as a document**, Structural Analysis of Historic Construction, D, Ayala & Fodde, (eds), Taylor & Francis Group, London, 289, 2011

- 34- Jain, Manish, **Principal Architect at Front Desk Architects** , Published on Nov 28, 2011 access, 2016
- 35- Mondini, Sara. "**Strategy and Ambiguities in the Decorative Programs of the Ahmad Shah I Bahmani Mausoleum** , ,Editor: Stefano, Pellò, Borders Itineraries on the Edges of Iran . Università Ca' Foscari Venezia, Italia, PP. 155-180, 2016
- 36- Ortega Andrade, Francisco, **La construcción Sasánida** , Contenido:, Universidad de Las Palmas de Gran Canaria, <http://editorial.cda.ulpgc.es>, 2008, Access 2013
- 37- patal, nagesh , **A study on bahamani sultans monuments**, p.g. department in tourism, India, 2016
- 38- Reitz, Falk, **Pancayatana-Komplexe in Nordindien: Entstehung, Entwicklung und regionale Besonderheiten einer indischen Architektur form**, PhD Thesis (in German), Awarded by Freie Universität Berlin, 1997 p.38
- 39- Shokoohy, Mehrdad, **Muslim Architecture of South India: The Sultanate of Ma'bar and the Traditions of Maritime Settlers on the Malabar and Coromandel Coasts (Tamil Nadu, Kerala and Goa)**, Publisher, Routledge Curzon. London, 2013
- 40- Staff, sun, **The Beauty of Bengali Temples - Part 1** <http://www.harekrsna.com/sun/features/09-06/features428.htm>, Staff .sun 2005, Access 2017
- 41- Tariq, S.H, Jinia, M.A, **The Contextual Issues in the Islamic Architecture of Bengal Mosques**, Global Journal Al-Thaqafah, (GJAT)VOL,3, ISSUE 1, 2013
- 42- Yazdani, Ghulam, **Bidar, Its History and Monuments**, Motilal Banarsidass Publishe, Delhi, 1995
- 43- _____, **"The Great Mosque of Gulbarga,"** Islamic Culture 2, pp. 14-21, India, 1928
- 44- _____, **Mihrab of the jama Masjid at Gulbarga**, <http://mapio.net/pic/p-19834460/>, 2015, Access, 2017
- 45- _____, **Gulbarga**, <http://indiarailinfo.com/departures/gulbarga-gr/146> , Accses, 2016
- 46- _____, **World Heritage Site". The-world-heritage-sites.com. 1986-11-28. Retrieved 2012-<http://indiathatwas.com/?p=287>**, Narayana, Hari. (2011), The Jumma Masjidâ "Gulbarga Fort Access 2017
- 47- _____, <https://www.beautifulmosque.com/Jama-Mosque-in-Gulbarga-India>, Access 2016
- 48- _____, **Mapio.net, s.r.o. Juma Masjid-Gulbarga**, <http://mapio.net/pic/p-19834460/>, Access 2016
- 49- _____, <https://en.wikipedia.org/wiki/File:IN-KA.svg>, Access 2018.
- 50- _____, <https://www.mapsofindia.com/maps/Karnataka>, Access 2018.